

اسرار باستانشناسی پوریم

تمدنی فاخر در تپه حسنلو (1)

بر مبنای سری کتاب های "تاملی بر بنیان تاریخ ایران" از "ناصر پورپیرار"

مقدمه :

برای کسانی که طالب شنیدن حقایق مطرح شده از جانب بنیان اندیشی می باشند کوچکترین و کمترین اشارات ، بزرگترین و مهمترین مطالبی می باشند که می تواند مدخل اصلی مباحث کلان بنیان اندیشی محسوب شوند ولی متأسفانه عده ای که خود را مسئولین فرهنگی مطرح می کنند و باز بدتر از آن ها عده ای که خود را قلم به دست و روشنفکر نشان می دهند برای حفظ ته مانده های جیب خود هیچ اعتنایی به این مسائل ندارند چون با قبول این مطالب باید اعتراف نامه ای بنویسند که در آن قید شود که تمامی ار قلمی شان فقط و فقط برای حفظ منافع شخصی شان بوده و هدف پیش برد برنامه های بازرگانانه یافته کنیسه کلیس بود است . کسی که عض خردشان را بی بین می ، بودن کتاب هایی که در نوشتن آن مبادرت می ورزند اعتراف می کند ولی چنین وانمود می کنند که ابارشان مورد تیر جامعه می باشد ولی تبعات این جعلیات و اغتشاش ، به جان هم انداختن مردم منطقه و در نهایت جنگ های برادر کشی می باشد . عده ای می گویند مطالب بنیان اندیشی حتی اگر واقعیت خود را اثبات هم کرده باشند نباید مطرح شوند چون جلوی حرکت حق طلبی مردم را می گیرد ! حقایقی که اگر اجازه تبلیغ گسترده آن داده شود کاسبی های شیادان زیادی کساد می شود و باید دنبال شغل دیگری بگردند . افرادی مصلحت را بالا تر از حقیقت می دانند و سکوت را بهترین مصلحت انتخاب می کنند ، از خشم مردمی در آینده نزدیک نمی ترسند ؟ ، زمانی که چهره پلیدشان بر عوام نیز عیان شود .

در یادداشت حاضر که بر اساس سری کتاب هایی در باب تمدن تپه حسنلو از قلم اساتید "علی صدرائی" و "صمد علیون" به تازگی به چاپ رسیده است برخی از اسناد و گزارشات مهم اشخاصی چون "اسکار وایت ماسکارالا" بیان شده است که باز تاییدی بر قتل عام پر از خونریزی نیزه داران یهود در منطقه می باشد که امروز ما آن را با نام "پوریم" می شناسیم . گرچه طالبان حقیقت کمتر یافت می شوند .

Aydın Təbrizli

« گاه نگاری حسنلو ، بین 1200 تا 800 پیش از میلاد و نشان دهنده ساخت و ساز و سازه های عظیم انسانی است . بخصوص یک بنای دفاعی که در درون دیواری با برج های دیده بانی بر روی پایه های سنگی قرار گرفته ، قابل توجه است . همچنین استفاده از ستون های چوبی بر روی پایه های سنگی نیز در این دوره مشاهده می شود که معرف نوعی معماری است که شاید بتوان از آن به عنوان پیشگام بناهای پاسارگاد و تخت جمشید نگریست . در خانه های مسکونی ، سفال های با دیواره نازک سیاه با سطح صیقلی و بیش از صد مهر استوانه یافت شده است . حسنلو در اواخر سده نهم پیش از میلاد با خشونت تمام تخریب و به خاکستر تبدیل شد . در میان مواد تخریب شده این لایه ، اشیایی مانند یک جام طلا با صحنه های اساطیری در کنده کاری مسطح ، تزیینات سینه اسب با کنده کاری و کنده کاری های بر روی عاج دسته یافت شد . » (موزه ملی ایران ، با همراهی موزه تاریخ هنر وین - 7000 سال هنر ایران - ص 58)

این چه بلایی است که حسنو را به چنان وضعی دچار می کند که دیگر بار سر بر نمی آورد؟! شیظنت نگارنده گان کتاب درباره الگو برداری برای تخت جمشید از روی بنا های حسنلو زمانی جالب است که به زمان تخریب این بنا به گفته خودشان هنوز تخت جمشیدی در کار نبود و 400 سال بعد تخت جمشید ساخته شده است !!! تخت جمشیدی که اکنون می دانیم دم خروسی بیش نیست و هیچ ارتباطی با هخامنشیان ندارد و یک زیگوراتی است شبیه آنچه در بین اللنهرین و سیلک قابل مشاهده می باشد و مربوط به تمدن های اصلی منطقه می باشد . عکسی که در زیر عرضه شده نمونه کوچکی از هنر مردم منطقه را نشان می دهد . آیا میدانید صنعت و علم کنونی نمی تواند چنین دست ساخته ای را تولید کند!!!

« پانصد شیء فلزی در هنگام فرو ریختن طبقه اول بنا مدفون شده که این اشیاء و همچنین تزیینات سینه اسب دارای خوردگی های عمیق بود و همگی در موسسه مرکزی مرمت در شهر رم ، مرمت شدند . » (موزه ملی ایران ، با همراهی موزه تاریخ هنر وین - 7000 سال هنر ایران - ص 193)

« هیچ کدام از این آثار به منظور مرمت از ایران خارج نشدند ، فقط برخی در محل کاوش در حسنلو مرمت شده اند . » (ز.جعفر محمدی - همان کتاب - پاورقی)



عکس بال نقش مفرغی سینه اسب مربوط به تپه حسنلو که در نهایت نبوغ و پیشرفت در ریخته گری ساخته شده است .

با مقایسه دو متن کوتاه بالا که مربوط به یک صفحه از آن کتاب می باشد پی به عمق فاجعه فرهنگی در این کشور می توان برد به طوری که در متن کتاب موضوعی عنوان می شود و در پاورقی انکار می گردد !!! آیا سکوت کافی نیست؟ آیا وقت آن نرسیده بگویم ساکنین تمدنی بسان حسنلو چرا دگر بار در آذربایجان به وجود نیامدند؟ آیا لازم نیست قبول کنیم پوریم تمدن شرق میانه را در صفر ضرب کرد؟

در کتاب تاریخ ماد اثر دیاکنوف (که نیازی به وارد شدن به بحث در این زمینه را ندارم) ، در مقدمه کتاب چنین به خوانندگان عنوان می شود: که ما هیچ سندی در اختیار نداریم که از آن تاریخ، فرهنگ و زبان مردم ماد را بیرون بکشیم! بعد نویسنده کتاب حدود 800 برگ کتاب خود را با داستان هایی پر کرده که سراسر جنگ و خونریزی را به تصویر می کشد. یافته های باستان شناسی به وضوح هر چه تمام تر نشان می دهد که در شرق میانه تا کنون هیچ شمشیری (که جزو سلاح های جنگی است با قدمتی که این جنگ ها را به آن دوره منتسب می کنند) یافت نشده است. حال باید پرسید این ملل در حال جنگ، در عهد باستان شرق میانه، هم دیگر را از دم کدامین تیغ می گذراندند؟!

مقدمه ای برای بررسی تاریخ ماد

۱- منابع مستند و نقلی

نوشتن تاریخ ماد، بسبب وضع منابع، کاری فوق العاده دشوار و پیچیده است. تا اواسط قرن گذشته وضع ماد تقریباً مانند دیگر کشورهای خاور باستانی بود و درباره سرزمین مزبور و همسایگان آن جز اطلاعات قلیل نیمه افسانه و جسته و گریخته مؤلفان یونانی چیزی در دست نبود. ولی در ظرف صد سال اخیر علم تاریخ با مقدار زیادی مدارك و اسناد مربوط بتاریخ بابل و آشور و دیگر کشورهای خاور باستانی غنی گشته و هزاران سند کتبی و آثار زیر خاک از دهها شهرك بدست آمده است. اما بررسی اوضاع ماد از مسیر عمومی و پیشرفت علم تاریخ برکنار مانده است. کافی است یادآور شویم که هنوز در قلمرو مادیهها يك شهر هم مورد حفاری قرار نگرفته است و حتی يك اثر کتبی نیز که مربوط بدوران دولت مادیهها باشد در دست نیست و درباره تاریخ مادیهها - همچون صد سال پیش - از روی اطلاعات منابع بیگانه داوری می کنیم، با این تفاوت که از اواسط قرن گذشته منابع میخی نیز بمنابع یونانی افزوده شده است.

(تاریخ ماد-ا.م.دیاکنوف-صفحه 10)

یکی از مهمترین جنگ‌هایی را که دیاکنوف در کتاب خود شرح می‌دهد، اتحاد دولت فدرالی ماد با حکومت ایلام برای نابودی حکومت آشور به مرکزیت نینوا می‌باشد. در این کتاب سراسر داستان و آسمان ریسمان بافی نویسنده دلیل این انتقام و اتحاد ماد و ایلام را، حمله‌های پی‌در پی حکومت آشور به تمدن‌های منطقه اعلام می‌کند. و چنین توضیح می‌دهد، که چون مردم تمدن‌های همجوار آشور از دست اندازی‌های این تمدن عاسی شده بودند سرانجام تصمیم به نابودی این حکومت را طرح ریزی می‌کنند. اسناد حملات پی‌در پی و وحشیانه آشوریان به تمدن‌های منطقه را سالنامه‌های آشوری و در راس آن داستان پیکارهای آشور بانی پال را به میان می‌آورند.



۴- نخستین دوره تهاجم آشور

لشکر کشیهای آشور که در قرن نهم در نقاط مزبور تجدید گشت نخست -
کافی السابق - جنبه دستبرد داشت و هدف آن بیشتر غارت دامها و گرفتن اسیر و
برده بود. هر بار که لشکریان آشور نزدیک میشدند (و با احتمال قوی مردم همچنانکه
در اورارتو نیز متداول بود - بوسیله آتشی که در قلل جبال می‌افروختند از نزدیکی
ایشان باخبر می‌شدند) بیشتر ساکنان، دهکده‌های خویش را ترک گفته دامها را به قتل
صعب الوصول کوهها سوق میدادند و دشمن علی‌الرسم جارت نمی‌کرد ایشانی را تعاقب
کند. عادة مردم از ماندن در دهکده‌های مستحکم خویش امتناع میورزیدند زیرا
باینکه نقاط مزبور با حصار محصور و برای دفاع در مقابل حمله دهکده‌های مجاور
یا امارتهای کوچک کافی بود، آنقدر قدرت و استحکام نداشت که محاصره منظم
لشکریان آشور را که با بهترین وسایل فنی زمان خویش مجهز بودند تحمل کند.

(تاریخ ماد-ا.م. دیاکنوف-صفحه 198)

در این داستان که دیاکنوف بیان می‌کند قبایل ماد از شمال و حکومت ایلام از جنوب قلمرو آشور را محاصره می‌کنند و در نهایت با شگردهای مخصوصی وارد دروازه‌های نینوا می‌شوند و طبق قرار قبلی قبایل ماد غنایم را غارت می‌کنند و سرزمین‌های فتح شده به حکومت ایلام تعلق می‌گیرد (با وجود اینکه اکنون می‌دانیم کلمه ماد و ایلام منشا توراتی دارند نه تاریخی و باستان‌شناسی).

سرانجام در ماه آب (متأسفانه تاریخ روز معین نیست) بر اثر حمله سختی متحدهان وارد نینوا شدند. جنگهای خیابانی آغاز شد. تمام منابع، باستانی «تاریخ گد» - که چیزی در این مورد از آن نمی توان استخراج کرد - در این متفق الرأی میباشند که حمله به نینوا، بسبب طغیان آب - که بطور مصنوعی ایجاد کردند - و احتمالاً حصار گلین شهر را خراب کرد، بموفقیت انجامید.^{۳۷}

(تاریخ ماد-ا.م.دیاکنوف-صفحه 377)

در حدود قلمرو امپراطوری آشور شمار آرزومندان نابودی آن دولت بسیار بود. در تورات مجموعی از سخنرانیهایی که بمناسبت سقوط نینوا ایراد شده و بشخصی نائوم نام از مردم اسرائیل منسوب است - که گمان میرود با سارت آشور افتاده بوده - محفوظ است. از نطقهای مزبور نیک مشهود است که اقوام آسیای مقدم چه کسانی را دشمن اصلی خویش می شمردند. اینان، این دشمنان اقوام، همان اعیان و بزرگان آشور یعنی عناصر صاحب مقام و کاهنان بلندجاه و نظامیان و بازرگانان آن دولت بودند. این گروه کوچک که - بمقیاس آسیای مقدم باستانی و آنروزی - ثروتهای کلان گرد آورده بود، بی بند و بار و نابخردانه تمام مردم خاورمیانه را بِنفع خویش استثمار مینموده. مردم سراسر شرق آرزومند نابودی آشور - «کنام شیران» - و سقوط نینوا - «شهر خون» - بودند. نمایندگان و افراد قبایل مرزی و دور دست که

(تاریخ ماد-ا.م.دیاکنوف-صفحه 366)

اکنون دم خروس دیگری را برایتان نمایش می دهم که سطر به سطر نوشته های کتاب تاریخ ماد دیاکنوف را به باد می دهد. گرچه یادداشت های موجود در سری کتاب های "تاملی بر بنیان تاریخ ایران" جناب "پورپیرار" ذره ای آبرو برای تاریخ یهود ساخته جهان باقی نگذاشته است. برای جلوگیری از طولانی شدن این یادداشت بنده فقط متن تورات را در اینجا ذکر می کنم و امیدوارم کسانی که کتاب دیاکنوف را خوانده اند ببینند که چه کلاه گشادی در این کتاب بر سرمان گذاشته اند (که از مهمترین رفرنس های مطالعات تاریخ باستان منطقه می باشد) به طوری که فقط سخنان خاخام را بدون کم و کاست تکرار می کند (شبیبه کتیبه حقوق بشر کوروش! که متن تورات را باز گو کرده است). در این داستان دیاکنوف حتی نبوغ جنگی ایلامیان و مادیان در حمله به کار بردن آب فرات در باز کردن دروازه های این شهر را نیز بدون کم ترین مطلب از قلم افتاده بیان می کند. !!!

« ای نینوا، عمرت بسرآمده است! سپاهیان دشمن، تو را محاصره کرده اند. پس برج و باروهای خود را تقویت کن. جاده را دیده بانی نما و منتظر حمله دشمن باش. (تو سرزمین اسرائیل را ویران کردی، ولی خداوند عزت و قدرتشان را به ایشان باز می گرداند!) . سپرهای سرخ دشمن برق می زنند! لباس های نظامی سرخ رنگ آنها را ببین! عرابه های درخشان آنها را مشاهده نما که در کنار هم بوسیله

اسبها به پیش حرکت می کنند. دشمن آماده حمله است! عرابه های تو در خیابانها و میدانها به سرعت از هم پیشی می گیرند؛ مانند برق جلو می روند و مثل مشعل می درخشند! پادشاه بر سر افسران فریاد می زند و آنها دستپاچه شده، با عجله بطرف دیوارهای شهر می دوند تا سنگرهایشان را برپا سازند. اما خیلی دیر شده است! دریچه های رودخانه باز است. دشمن به داخل شهر رخنه کرده است. کاخ سلطنتی را وحشت فرا گرفته است! ملکه نینوا را برهنه به کوچه ها آورده اند؛ او را اسیر کرده اند و ندیمه هایش گریان بدنبال او می روند و مثل فاخته ها می نالند و سینه می زنند. شهر نینوا چون مخزن آبی است که سوراخ شده باشد. اهالی آن با شتاب از آن بیرون می ریزند و ه فریادهایی که آنها را از فرار باز می دارد توجهی نمی کنند. نقره ها را غارت کنید! طلاها را به یغما ببرید! گنجهای بی حسابش را تاراج کنید! شهر نینوا خراب و متروک شده است. دلها از ترس آب شده اند، زانوها می لرزند، رمقی در مردم نمانده و رنگ از صورتها پریده است. اینک، آن نینوای بزرگ، آن بیبشه شیران و محل دلیران کجاست؟ نینوایی که در آن پیر و جوان بدون ترس و دلهره زندگی می کردند. ای نینوا که زمانی چون شیر، نیرومند بودی، و دشمنانت را پایمال می کردی تا زنان و فرزندان را سیر کنی و شهرها و خانه هایت را از غنایم و اسیران جنگ پر سازی! بدان که اکنون خداوند قادر متعال بضد تو برخاسته است. او عرابه هایت را می سوزاند و دلیران تو را هلاک می کند. دیگر هرگز از سرزمینهای مغلوب، اسیری نخواهی آورد و روی زمین حکمرانی نخواهی کرد.» (تورات عهد عتیق- فصل ناحوم - صفحه 2)

در اینجا نیز تورات عهد عتیق باز کینه خود از مردم بین النهرین به سبب ویرانی اورشلیم را به پیش می کشد و کل داستان های سر هم بندی شده در کتاب تاریخ ماد دیاکونوف خود یک چاره جویی برای پوشیده نگه داشتن ردپای قتل عام وحشت ناک پوریم به دست نیره داران یهود را به وضوح نمایش می دهد. ! اگر از آقایان سوال کنیم که چرا مردم آشور به قلمرو ماد حمله می کردند؟ چنان چه بیان شده غارت اموال و گرفتن اسیران برای بردگی را به پیش می کشند، ولی در مقابل تصاویری نظیر آنچه در زیر برایتان می آورم سکوت را گزینه می کنند !!! . در پا ورقی همان صفحه آمده است:

«این فصل تسخیر نینوا به دست سپاهیان ماد و بابل در سال 612 ق.م. را پیشگویی می کند.» (همانجا)

این تاریخ گذاری بیشتر از تاریخ 800 قبل از میلاد به واقعیت نزدیک می باشد .



«کانون مرکزی کاوش های هیئت دایسون در حسنلو آثار فرهنگی مربوط به طبقه ای بود که دوره چهارم ب خوانده شده است . بقایای معماری و اشیای فرهنگی این طبقه وضعیت بسیار مناسبی داشت . دوره ی آبادانی تمدنی این منطقه بین قرن نهم و اوایل قرن هشتم ق.م. که محوطه به آتش کشیده شده است قرار می گیرد . بر اثر این آتش سوزی ساختمان ها ویران شده و ، در کنار حجم زیادی از آثار فرهنگی ، حدود دویست و پنجاه مرد و زن و کودک زیر آوار ها مدفون شده اند . مسبب این ویرانی ها هنوز مشخص نیست . کتیبه ای که از محوطه قلاتگاه در مجاورت حسنلو کشف شده است به تثبیت دولت اورارتو در منطقه در حدود سال 800 ق.م. اشاره دارد .» (اشیا تاریخی فرهنگی حسنلو - پژوهش اسکار وایت ماسکارالا- گرد آوری و ترجمه صمد علیون و علی صدرائی - صفحه 144)

اگر هجوم کنندگان به تمدن حسنلو را به دلیل ثروت های بی شمارش بدانیم چنانچه در بالا آمد تمام اشیا و آثار فاخر دست نخورده باقی مانده اند و اگر هدف اسیر کردن و بردن برده به آشور و یا هر جای دیگری می باشد ، کسی سالم نمانده که برای بهره کشی برده شود . وقتی از یک مساحت کوچکی در تمدن قبل از 2500 سال پیش "حدود دویست و پنجاه مرد و زن کودک" کشته شده اند سوال اینجاست که بازمانده گان چه کسانی بوده اند ؟ جواب فقط این است : هیچ کسی از این اقدام جان سالم به در نبرده است چون در تمامی تخریب های حاصل از پوریم جرز کوچکی از دیوار هم نشانی از بازسازی ندارد . در مورد تمدن اورارتو هم باید گفت این نام نیز توراتی می باشد و اکنون میدانیم قلمرو اصلی دولت اورارتو که قسمت شرقی فلات مرکزی ترکیه شامل می شده تا همین 300 سال پیش زیر آب حاصل از توفان نوح قرار داشته است و هیچ آثار مادی از این منطقه در هیچ شکلی یافت نمی شود .



اگر قبول کنیم که بلایای طبیعی این تمدن را ویران کرده است پس چرا اشیای فاخری تا زمان کشف دایسون در کوچه ای به حال خود رها شده و هیچ شخصی سراغی از آن نگرفته و حتی رهگذری نیز از آن مکان نیفتاده این اشیای نفیس را برای استفاده ببرد ؟

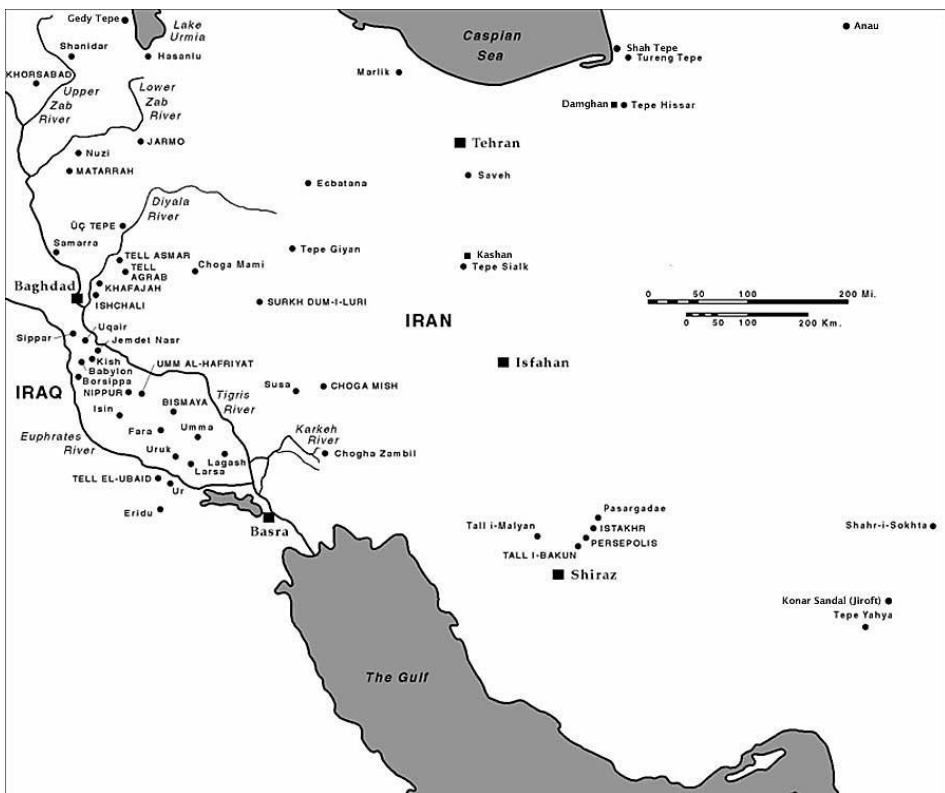
دلیل این مسئله این موضوع است که بازمانده ای نمانده است که این کار را انجام دهد !



چه بلایی بر سر این تمدن ها آورده اند که در هر کاوش مختصری اجساد قربانیانی کشف شده است که نظیر تصویر بالا از حسنلو دفن نشده اند و در ورودی پلکانی ساختمانی به حال خود رها شده اند؟

« روز سیزدهم ادار، یعنی روزی که قرار بود فرمان پادشاه به مرحله اجرا درآید، فرا رسید. در این روز، دشمنان یهود امیدوار بودند بر یهودیان غلبه یابند، اما قضیه برعکس شد و یهودیان بر دشمنان خود پیروز شدند. در سراسر مملکت، یهودیان در شهرهای خود جمع شدند تا به کسانی که قصد آزارشان را داشتند، حمله کنند. همه مردم از یهودیان می ترسیدند و جرأت نمی کردند در برابرشان بایستند. تمام حاکمان و استانداران، مقامات مملکتی و درباریان از ترس مردخای، به یهودیان کمک می کردند؛ زیرا مردخای از شخصیت های برجسته دربار شده بود و در سراسر مملکت، شهرت فراوان داشت و روز بروز بر قدرتش افزوده می شد. به این ترتیب یهودیان به دشمنان خود حمله کردند و آنها را از دم شمشیر گذرانده، کشتند. آنها در شهر شوش که پایتخت بود، 500 نفر را کشتند.» (عهد قدیم - فصل استر - صفحه 7)

« بقیه یهودیان در سایر استانها نیز جمع شدند و از خود دفاع کردند. آن ها 75,000 نفر از دشمنان خود را کشتند و از شر آنها رهایی یافتند، ولی اموالشان را غارت نکردند.» (همانجا - صفحه 8)



پس این پوریم یهود می باشد که تمام هستی و هویت منطقه را نابود کرد ولی این گناه توسط تاریخ نویسی یهود، به نام آشوریان، اسکندر، اعراب و مغول ها نوشته شده است. با مطالعه تورات و بررسی اسناد تاریخی دیگر یهود برای گرفتن انتقام حملات بخت النصر به اورشلیم و آوارگی یهود دست به این جنایت تاریخی زده اند بنابراین اولین محل مورد حمله واقع شده بابل بوده است ولی خاخام ها سعی در پوشیده نگه داشتن این واقعیت تاریخی دارند و با ساختن داستان استر و مردخای سعی در پوشیده نگه داشتن این واقعیت دارند. نقشه زیر جغرافیای پوریم را نشان می دهد به طوری که سحنه جرم در تمامی این تپه ها یکسان می باشد. این تمدن ها تنها بخشی از تمدن هایی است که به صورت تصافی کشف شده اند و در

تمامی موارد میراث فرهنگی این کشور چه در رژیم سابق و چه در نظام کنونی با بی شرمی تمام اجازه دست اندازی و تخریب محوطه ها را به سارقین و مامورین کنیسه و کلیسا داده اند.

« در روز 14 آگوست سال 1958 میلادی، با کشف جام زرین حسنلو از داخل بنایی که در جریان ویرانی خشونت آمیز محوطه طعمه حریق شده بود و قربانیان این حادثه شوم دفن نشده روی کف آن

افتاده بودند ، حسنلو به یکی از مهم ترین محوطه های باستانی ایران مبدل می شود . « (مجموعه مقالات معماری حسنلو - صمد علیون و علی صدرائی - صفحه 7)

وقتی می گوئیم از قتل عام پوریم بازمانده ای بر جای نمانده و یهودیان هر آن کسی که در شهر ها بودند را کشته اند و ساکنان کنونی ایران هیچ ارتباطی با بومیان از بین رفته در پوریم یهودیان ندارند یک مسئله بسیار مهم و غیر قابل رد همین جنازه های بدون دفن و پراکنده است چون کسی زنده نمانده که این اجساد را دفن کند و به شهادت تورات یهودیان دست به غارت زده اند و این موضوع نیز قابل تایید می باشد چون در تپه های باستانی منطقه تمامی آثار فاخر هنری و صنعتی در زیر آوار آتش گرفته ابنیه های ویران شده به حال خود رها شده اند !!!؟؟؟

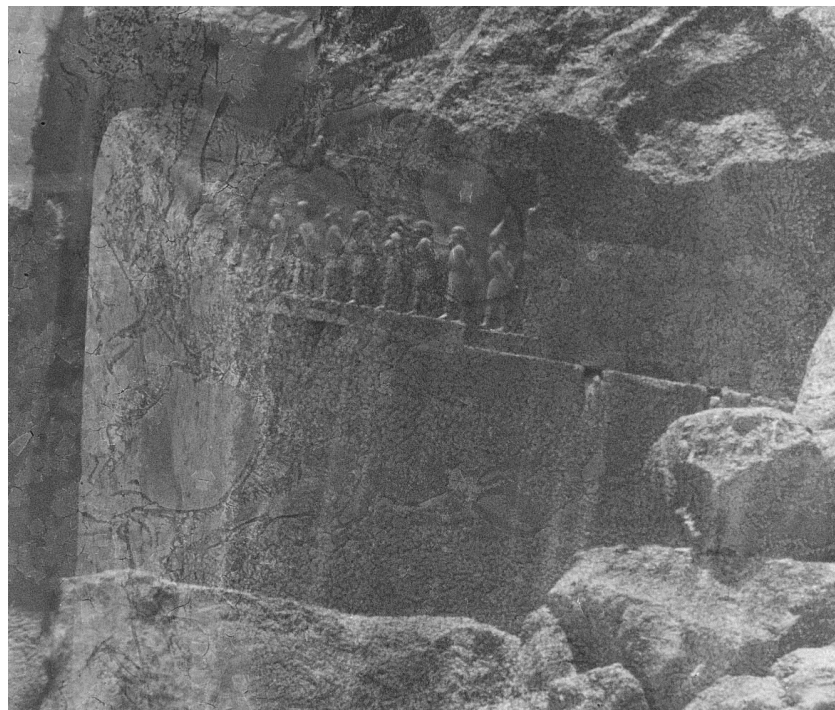
« پادشاه با این درخواست استر هم موافقت کرد و فرمان او در شوش اعلام شد. اجساد پسران هامان نیز به دار آویخته شد. پس روز بعد، باز یهودیان پایتخت جمع شدند و 300 نفر دیگر را کشتند، ولی به مال کسی دست درازی نکردند. بقیه یهودیان در سایر استان ها نیز جمع شدند و از خود دفاع کردند. آنها 75 ، 000 نفر از دشمنان خود را کشتند و از شر آنها رهایی یافتند، ولی اموالشان را غارت نکردند. این کار در روز سیزدهم ماه ادار انجام گرفت و آن ها روز بعد، یعنی چهاردهم ادار پیروزی خود را با شادی فراوان جشن گرفتند. اما یهودیان شوش ، روز پانزدهم ادار را جشن گرفتند، زیرا در روزهای سیزدهم و چهاردهم ، دشمنان خود را می کشتند.» (تورات عهد عتیق - فصل استر - صفحه 8)

« کاوشگران حسنلو و اکثر صاحب نظران معتقدند سکونت گاه IVB حسنلو در نتیجه تهاجم ارتش اورارتو در گرماگرم توسعه طلبی های این امپراطوری در اواخر قرن نهم ق.م. ویران شده است . اقلیتی از پژوهشگران زمان وقوع این حادثه را قرن هشتم ق.م. دانسته و مسبب آن را ارتش آشور خوانده اند . در حال حاضر نمی توان به طور قانع کننده ای اثبات کرد کدام یک از این دو دیدگاه صحیح است یا اثبات کرد عامل این ویرانی ارتش دولت دیگری [غیر از اورارتو و آشور] نبوده است .» (همانجا - صفحه 15)

این همان پوریم است که باستان شناسی مدرن اندک اندک دهان به افشای آن می گشایند . در کتاب "تاریخ ماد" ا.م. دیاکنوف چنین وانمود می کند که دولت آشور برای برده کشی و غارت اموال مردم منطقه دست به این اعمال زده آنگاه این سوال مطرح می شود که مگر کسی زنده مانده است که برای برده کشی برده شود ثانیاً تمام اموال زیر آوار ها مدفون شده اند ؟؟؟ !!!

« کاربرد اصلی ساختمان سوخته IV-E و V به روشنی با گذشت زمان تغییر کرده است و احتمال دارد برخی از اشیای موجود در داخل آن ها را ساکنان حسنلو هنگامی که محوطه مورد حمله قرار گرفته از ترس جان خود به مقصوره (دروخانه ی) عبادتگاه پناه برده اند با خود به داخل این ساختمان ها آورده باشند . برای مثال ، اسب هایی که اسکلت آن ها داخل ساختمان های سوخته V ، III ، IV-E ، VI کشف شده است شاید در وضعیت عادی در مجموعه ی اسطبل نگهداری می شدند و آن ها در جریان حمله نهایی به شهر یا چند روز قبل از آن به داخل ساختمان های ارگ انتقال یافته بودند .» (همانجا - صفحه 17)

پس این قتل عام چنان به سرعت صورت گرفته است که حتی اجازی تصمیم گیری دقیق برای مقابله با این شیخون در اختیار ساکنان حسنلو نبوده است !!!؟؟؟ حال کسانی که پوریم را قبول نمی کنند چگونه اجرای این پروژه را از خاخام های یهود بپرسند چون مامسئول جواب دادن به این سوال نیستیم ولی شواهد باستان شناسی و خود تورات عهد عتیق وقوع این حادثه هول ناک را به روشنی نمایش می دهد و یهودیان همه ساله در اول فروردین یعنی 13 ماه ادار این روز را به نام پوریم در سراسر دنیا جشن می گیرند و ما نیز یک صدا با آن ها عید نوروز را برگزار می کنیم !!!؟؟؟ .



این همان کتیبه ای است که به گفته خودشان اساس کشف رمز خطوط ایلامی و بابلی بوده است! و بسیار خواننده و شنیده ایم که بعد از کشف رمز کتیبه میخی داریوش و تطبیق آن با متن ایلامی و بابلی پی به متون آن ها نیز برده اند! و حال می بینید که از چه وضعیتی به چه صورتی در آمده است. حال به شیدای دانشگاه های کنیسه و کلیسا پی ببرید که چگونه راه طبیعی تاریخی و فرهنگی ملل جهان را از مسیر حقیقی خود منحرف کرده اند! اگر به دقت در این تصویر نگاه کنید و با وضعیت کنونی مقایسه کنید به عمق فاجعه پی خواهید برد و شاید قبول کنید که وقتی سیستمی قدرت تاریخ سازی در این حد را دارد می تواند تاریخ دنیا را به فساد بکشاند و از مسیر طبیعی خود خارج کند.

1- کتیبه داریوش و ملازمان خود را ندارد

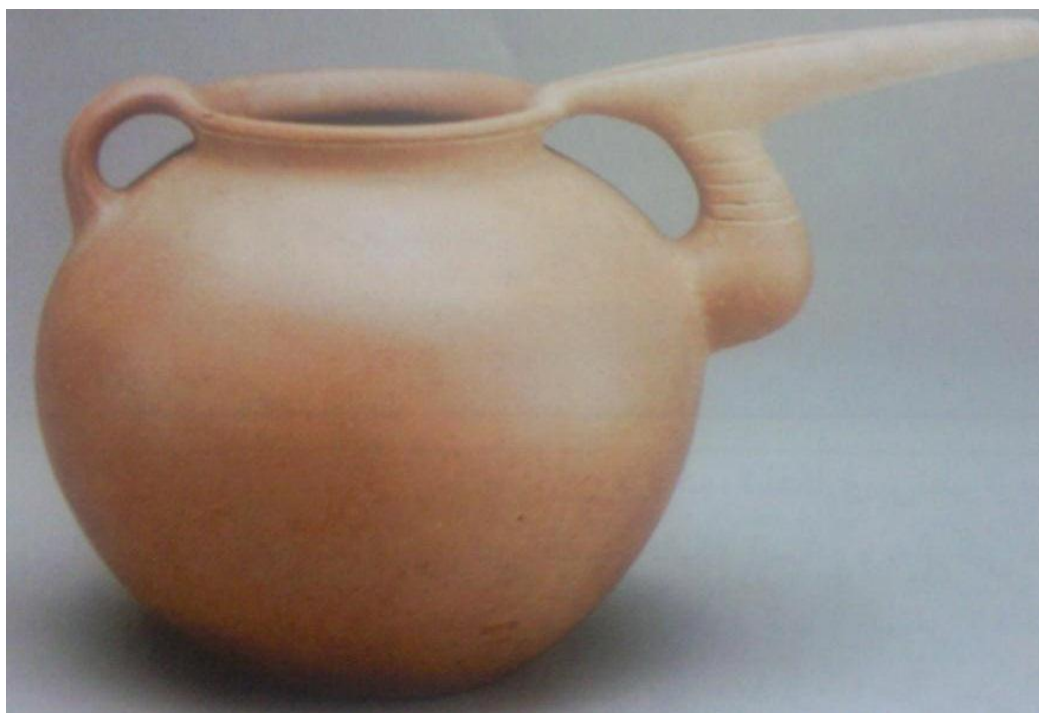
2- فروهر در بالای کتیبه دیده نمی شود

3- هیچ یادداشتی در کتیبه موجود نمی باشد

4- اطراف این سنگ نگاره هنوز مسطح نشده اند تا کتیبه نویسی صورت بگیرد

آیا باز هم دلیلی بر جعلی بودن تاریخ منطقه بیاوریم . وقتی هخامنشیان در منطقه امپراتوری ندارند این کدامین تومروس آنا است که سر بریده کوروش را به سبب خونخواری بر ظرف خون فرو برده است؟! وقتی کتیبه بیستون جعلی است و منشور کوروش نیز دم خروسی بیش نیست به غیر از تورات خاخام نوشته کوروش و داریوش و خشایارشا را در کجا جستجو کنیم!؟

کسانی که ادعا دارند مردم کنونی ساکن ایران بازماندگان همان مردم هزاره های قبل هستند به سفالگران خود سفارش دهند که چنین ظرفی را یکپارچه در چرخ سفالگری بسازند؟! !!!



«مربوط به تمدن نابود شده در قتل عام پوریم مارلیک می باشد»

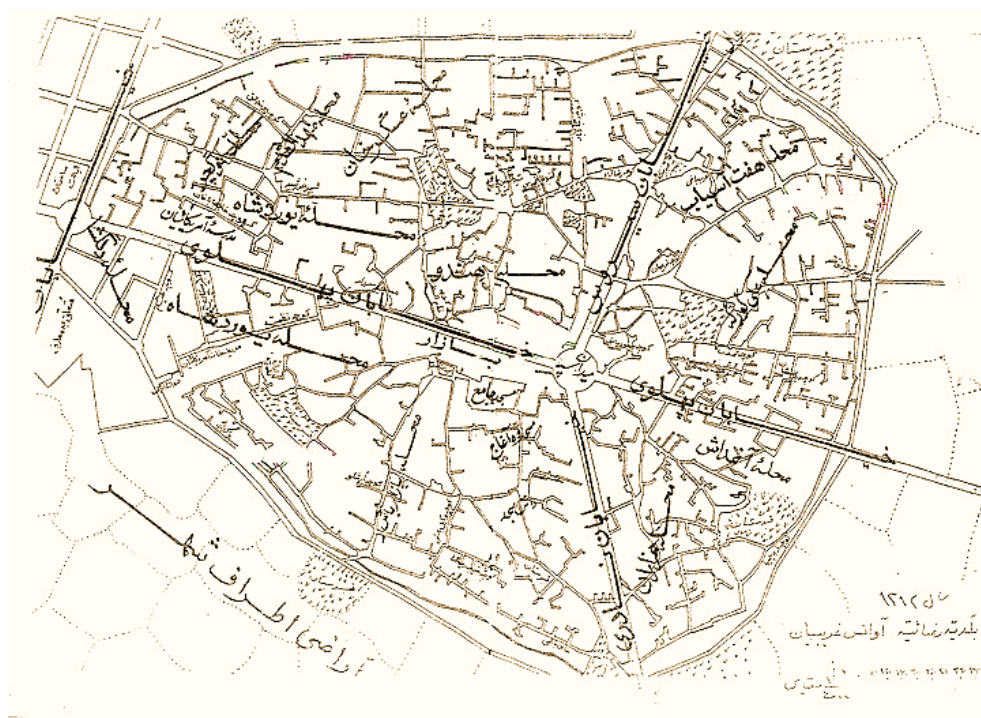
یا سفارش دهند چنین ساغر زرینی را با تمامی تزییناتش به صورت برجسته بسازند . مردمی که از تعمیر بیل و کلنگ خود در آن منطقه اکنون ناتوانند! !!!



«مربوط به تمدن نابود شده در قتل عام پوریم مارلیک می باشد»



وضعیت شهر تبریز در حدود 200 سال پیش که از سنگ بنای آن هنوز زمان زیادی نمی گذرد . در یادداشت "نقشه دارالسلطنه تبریز" به این موضوع پرداخته ایم و نیاز به توضیح بیشتر در این زمینه را نداریم .



تصویر بالا نیز مربوط به شهر ارومیه می باشد به زمان رضاخان مربوط می باشد و باز سنگ بنای شهر قدمت زیادی ندارد و زمان زیادی از تشکیل آن نمی گذرد!



واین تصویر هوایی از فراز شهر شیراز می باشد که کیفیت شهر شیراز را به تصویر می کشد و آدمی را به یاد شعر حضرت حافظ می اندازد: خوشا شیراز و وصف بی مثالش خداوندا نگهدار از زوالش

حال این سوال را مطرح می کنیم که از کدامین تبریز یا ارومیه و یا هر شهر دیگر که فکر می کنید عباس میرزا لشگری چند صد هزار نفری برای مقابله با حمله روسیه تزاری را فراهم می کرده است؟! و حضرت حافظ از کدامین شیراز سخن می گوید وقتی تا زمان رضاخان هنوز شیراز به جز مزارع سیفی جات چیز دیگری نیست؟!

به راستی چرا عده ای با مشاهده این همه اسناد دوباره آن تاریخ جعلی ساخته شده به دست کنیسه و کلیسا را تکرار می کنند؟ چه مقدار اسناد دیگری باید ارائه کنیم که آقایان از فرماسیون سکوت بیرون بیایند و زبان به تایید و افشای حقایق بگشایند؟!

وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

زمستان 91

Aydın Təbrizli

منابع:

- سری کتاب های تاملی بر بنیان تاریخ ایران - ناصر پورپیرار - انتشارات کارنگ
- تاریخ ماد - ا.م.دیاکنوف - انتشارات علمی فرهنگی
- تورات عهد عتیق
- 7000 سال هنر ایران - موزه ملی ایران ، با همراهی موزه تاریخ هنر وین
- اشیا تاریخی فرهنگی حسنلو - پژوهش اسکاروایت ماسکارالا - صمد علیون و علی صدرانی - انتشارات گنجینه هنر
- مجموعه مقالات معماری حسنلو - صمد علیون و علی صدرانی - نشر پروژه ترجمه حسنلو
- مجموعه مقالات سفال های حسنلو - صمد علیون و علی صدرانی - نشر پروژه ترجمه حسنلو

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**